

آیات و روایات درباره شایعه پراکنی چه می‌گویند؟

شایعه‌سازی؛ گناهی با چاشنی بیماردلی منافقانه

۲

همزمان با شیوع آنفلوانزا انجام شد

افزایش ۲۵درصدی تولید سرم در داروسازی ثامن

مدیر عامل شرکت داروسازی ثامن از افزایش ۲۵درصدی ظرفیت تولید انواع سرم در این شرکت خبر داد و تأکید کرد: با توجه به افزایش ۷۵درصدی مصرف این محلول تزریقی در کشور، باید همه دستگاه‌های مسئول برای جبران کمبود ایجاد شده تلاش کنند. مجید طبسی گفت: در حال حاضر این شرکت طبق استانداردهای موجود، روزانه بیش از ۱۰۰ هزار عدد انواع سرم تولید می‌کند که در شرایط معمول پاسخگوی نیاز بازار هدف بوده است. اما در شرایط کنونی و بنا بر آمار رسمی با توجه به شیوع آنفلوانزا، مصرف سرم در ...



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۲۶۳ |

کته‌ها/آیت‌الله مظاهری

سقوط معنوی؛ نتیجه کوتاهی در تحصیل فضائل

رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه خبر داد

راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه وقف در کشور

در نشست کتابخانه تخصصی امام رضا(ع) واکاوی شد

پیشینه تاریخی مدفن ثامن الحجج(علیه السلام)

آیت‌الله اراکی با تأکید بر ضرورت توجه بیشتر به فقه نظام مطرح کرد

باید در نگاه فقهی تحول ایجاد کنیم

گزارشی از وضعیت اماکن متبرکه در عصر قاجار

تاریخ‌نگاری ۱۳۹ سال پیش حرم مطهر رضوی

صفوی قرار دارد اما در زمان سفر ناصرالدین‌شاه، مزار شیخ بیرون از حرم مطهر قرار داشت، طبق آنچه در نقشه‌های قدیمی باقی است، مقبره شیخ بهایی در حجره‌ای در «تیمچه شیخ بهایی» واقع بود و تمام اتاق‌های اطراف آن، بخشی از یک بازار قدیمی به حساب می‌آمد. ناصرالدین‌شاه در تشریح وضعیت مزار شیخ بهایی و فضای اطراف آن می‌نویسد: «رفتیم سر قبر شیخ بهایی اعلی‌الله مقامه، مقبره شیخ هم نزدیک به دارالسعادة است و در زیر گنبد خودش واقع شده، از مقبره که بیرون آمدیم، داخل یک حیاط کوچکی شدیم که زمینش سنگ‌فرش است و حوض و باغچه هم دارد، دورش تمام حجرات و دکاکین است، جای بسیار مصفایی است».

■ قصه «مسجد پیرزن»

ما در یکی از قسمت‌های رواق نشان دادیم که روایت مسجد پیرزن در محل حوض فعلی مسجد گوه‌رشاد، به ظاهراً مستند تاریخی ندارد، اما در میان مردم و به شکل عرُفی شهرت یافته است. ناصرالدین‌شاه در

و غیره می‌رود؛ در آنجا [برای] زراعت [استفاده] می‌شود ... داخل صحن و روضه مطهر و داخل ضریح مقدس گردیده، مشرف شدیم، زیارت کردیم؛ رسم طواف و تقبیل (بوسیدن ضریح) به جا آوردیم. حرم مطهر خیلی باروح بود. بعضی آینه‌کاری‌ها و تعمیرات تازه شده بود که در هجده سال قبل (زمان سفر اول ناصرالدین‌شاه به مشهد) نبود، بعد سر قبر نایب‌السلطنه مبرور (منظور عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، ولیعهد فتحعلی‌شاه است که در دارالحفاظ حرم رضوی دفن شده) رفتیم ... نزدیک آنجا را تازه آینه‌کاری کرده و هنوز هم مشغولند. کمی به کار آینه‌کاری نگاه کردیم...».

■ تعمیر ضریح شکسته

«... نماز ظهر و عصر را در مسجد بالاسر خواندیم. یک طرف ضریح فولادی را رَؤار شکسته بودند، زرگر مشغول ساختن بود. ولی روز نمی‌توانند بسازند. شب که خلوت است باید بسازند. قدری گردش کرده، به دارالسعادة رفتیم. یک در بسیار خوبی



سفرنامه خود به این حکایت اشاره می‌کند و می‌نویسد: «داخل مسجد گوه‌رشاد شدیم، مسجد بسیار معتبر و بسیار بزرگی است ... وسط مسجد گوه‌رشاد ستون سنگی زیادی زده و جایی درست کرده که معروف به مسجد پیرزن است. از قراری که می‌گویند خانه پیرزنی در اینجا بوده؛ وقتی که گوه‌رشاد بنای مسجد را [تمام] کرده است، هر چه این خانه را از پیرزن خواسته، نداده است. بعد از اتمام مسجد، پیرزن هم اینجا را به اسم خود وقف کرده و مسجد نام نهاده...».

در آن سفر اول که آمدیم، معبرالممالک مرحوم، از وجوه دولت، با طلا و نقره ساخته در دارالسعادة کار گذاشته است، در بسیار ممتازی است؛ هفت هشت هزار تومان خرج آن شده است. دارالسعادة بنایی عالی است و گنبد بزرگی دارد ... امین‌السلطان حالیه خیال دارد دارالسعادة را آینه‌کاری کند. اگر بشود جای بسیار باصفای خوبی می‌شود». مزار شیخ بهایی امروزه در داخل اماکن متبرکه و در رواقی با نام این دانشمند و عالم نامدار عصر

محمدحسین نیکبخت |

دوره قاجار از نظر رواج نگارش خاطرات و سفرنامه‌ها، یک دوره بسیار ممتاز است. بسیاری از رجال سیاسی و حتی فعالان اقتصادی آن دوران، گزارش‌های روزانه‌ای را درباره اتفاقاتی رخ داده در امور کاری یا وقایع رقم خورده در سفرهایشان به رشته تحریر درمی‌آوردند. این گزارش‌ها که بخش عمده آن‌ها مربوط به سفرنامه‌هاست، از بهترین منابع برای مطالعه و بررسی وقایع و شرایط این دوره تاریخی از ابعاد گوناگون محسوب می‌شود. سفر زیارتی به مشهدالرضا(ع) یکی از معمول‌ترین سفرهای آن دوره بود و طبعاً بخش مهمی از حجم سفرنامه‌ها را هم به خودش اختصاص می‌داد. حدود ۱۳۹ سال پیش، روز ۲۱ خرداد سال ۱۲۶۲، ناصرالدین شاه قاجار تصمیم گرفت برای بار دوم، عازم سفر زیارتی مشهد شود. ناصرالدین‌شاه طبق عادت همیشگی خود، به نگارش اتفاقات‌های روزانه این سفر پرداخت. این سفرنامه به دلیل پرداختن ناصرالدین شاه به جزئیات مسیر و توجه او به مشخصات ظاهری اماکن و فعالیت‌های مردم، اهمیت بسیاری در شناخت ایرانِ ۱۳۹ سال پیش دارد.

■ دیوار تازه‌ساز قلعه

سفر ناصرالدین شاه حدود دو ماه طول کشید. او در ۲۴ مرداد همان سال، از دروازه پایین‌خیابان وارد شهر مشهد شد و مدتی در این شهر ماند. بخشی از این گزارش طولانی که به توضیحات مربوط به حرم مطهر و فعالیت‌های عمرانی آن اختصاص یافته است، می‌تواند سندی قابل اعتبار برای تصویرسازی از حرم مطهر و فعالیت‌های عمرانی آستان قدس در این دوره باشد. در رواق امروز با هم فرازهایی از این گزارش بسیار جالب را مرور می‌کنیم. «جمعیت زیادی از اهل شهر همه جا تا دم دروازه مشهد ایستاده بودند. رسیدیم به دروازه بالاخیابان. دیوار قلعه، نو و محکم و خوب است. دم دروازه، در سر نهر چشمه‌گیلاس که از این دروازه داخل شهر می‌شود، توقف کردیم ... خیابان چنارها و اشجار (درختان) قوی دارد. آب چشمه‌گیلاس و غیره (منظور دیگر قنات‌های متصل به نهر خیابان است) از همین بالاخیابان می‌رود و از صحن مطهر گذشته، به پایین‌خیابان جاری و از شهر خارج شده به طُرُق

در حرم

بانوی کاتب قرآن

اثرش را به کتابخانه حرم اهدا کرد

بانویی که با همت زیاد مفتخر به کتابت مصحف شریف شد، نسخه دستنویس کتابت شده خود را به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا کرد.

«ایران ربیبی فراهانی» ۷۴ساله بانویی که بهره‌چندانی از سواد ندارد اما به واسطه همت و توسل به اهل بیت(ع) موفق به نگارش قرآن شد و توانست طی مدت تقریباً دو سال قرآن را کتابت کند.

این بانو پس از پایان کتابت مصمم شد تا مجلد اصلی این کتاب نورانی را به محضر امام هشتم علی بن موسی الرضا(ع) تقدیم کند.

وی در ملاقات با رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و اهدای قرآن، به ماجرایی معنوی کتابت این قرآن اشاره کرد و گفت: با اندک سواد خواندن و نوشتن که در دوران کودکی کسب کرده بودم، تقریباً هر شب پس از اذان مغرب و عشا و اقامه نماز کتابت قرآن را شروع می‌کردم و تا سحر و پیش از نماز صبح ادامه می‌دادم.

در زمان تحریر و با توجه به سختی‌ها و محدودیت‌هایی که داشتم شوق نوشتن در من ذره‌ای کم نشد و انگیزه این کار در وجودم هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد.

وی افزود: با اهدای این قرآن به آستان قدس رضوی معتقدم اوراق این کتاب نورانی همچون روح جاودانه آن در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم برای نسل‌های آینده ماندگار می‌شود و ان‌شاءالله روزی برسد که همه مردم جهان با خواندن آیات وحی و عمل به دستورات آن در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوند.



بازدید بانوان مسئول در آستان مقدس حسینی از مرکز امور بانوان و خانواده آستان قدس رضوی

نیمکت زندگی

چراغ خیاط خانه هنوز روشن است



رقیه توسلی | کلید را پیدا نمی‌کنم. خرت و پرت‌های ته کیفم را هم می‌زنم اما هیچی نیست. دارم از کوره درمی‌روم که کسی سلام می‌کند. برمی‌گردم سمت صدا. یک غریبه خوشرو را می‌بینم که منتظر است ذوق کنم اما تنها کاری که انجام می‌دهم زُل زدن است. خودش را معرفی می‌کند: پنج خواهرون، دختران آقاییخی خیاط، سه راه منیره... لیلام نشانختی؟ و ادامه می‌دهد: مگه تو عاشق آتش رشته‌های طلعت چون نبودی؟ با هم نمی‌رفتیم پشت بوم سراغ لواشکا؟ تو طناب‌بازی همیشه نمی‌پردمت؟ به آقاییخی نمی‌گفتی، آقاژانومه؟

گل از گلم می‌شکفتد و دستش را رها نمی‌کنم. پرت می‌شوم به سال‌های دور. بی‌اختیار دلم قَل می‌خورد می‌رود تا سرای خیاط‌های مردانه‌دوز بازار، طبقه دوم، آقاییخی را می‌بینم که دارد ماسوره عوض می‌کند. مثل همیشه خوش‌قول است و کت و شلوارهای سفارشی روی چوب لباس آویزانند... چراغ خیاط‌خانه را می‌بینم که بعد اذان مغرب روشن می‌شود، این یعنی آغاز شیفت دوم. می‌بینم آقاییخی از توی جیب کتش کیسه قرص‌ها را می‌کشد بیرون و چندتایی می‌گذارد کف دستش. آن قرمز و سبز را می‌دانم برای درد مفاصل است. بعدش می‌روم دو خیابان بالاتر از سه‌راه منیره، یک درصد فکر کن نروم پیش طلعت‌جون. فکرش را بکن بشود بگذرم از عطر سرکه و مرزه و ترخون. کمک ندهم برای انداختن ترشی هفت‌ببجار، بادمجان، سیر و کلی دبه برای فروش آماده نکنیم گوشه ایوان. لیلا از احوال همه خبردارم می‌کند. از زمانه و بازی‌هایش. از شادی و غم‌هایی که طی این سال‌ها از سر گذرانند. از اینکه شکرخدا همه سلامت‌اند و هنوز خانوادگی کار می‌کنند. سخت و محکم. اینکه بالاخره فروشگاهشان را دایر کردند. فروشگاه کت و شلوارهای برند خودشان را. بعد کارتش را می‌گذارد توی دستم و می‌گوید: بیا ببین «آقاژانومه» چه چین و چروکی انداخته پای شاگرد خیاط‌هایش.

می‌خواهم نگاهی به کارت ویزیت ببندازم که می‌بینم کلید توی دستم است. چشمم گرد می‌شود. یعنی این قدر آب در کوزه و ما گرد جهان می‌گردیم؟

■ سنجاق

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: بعضی از گناهان به وسیله نماز و صدقه هم آموزیده نمی‌شوند. سؤال شد یا رسول الله! پس چه چیز موجب آموزش آن است؟ فرمود: جدیت و تلاش در طلب معیشت.